

گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیر مؤمنان علیه السلام در سوره مائده

محمدهادی قهاری کرمانی (استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان)
ghahari@uk.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱)

چکیده

یکی از آموزه‌های اهل بیت در بیان معارف قرآن کریم، گشودن دریچه‌ای نو و هماهنگ با زمان به نام «تأویل» است. آیات قرآن افزون بر استفاده ظاهری، دارای تأویلند و بهترین راه دست یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل بیت است؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت، عدل قرآن به شمار می‌روند. در بسیاری از روایات اهل بیت، به تأویل آیات قرآن پرداخته شده است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تأویلی سوره مائده چه نوع تأویلاتی نسبت به امیر مؤمنان، علی علیه السلام صورت پذیرفته است؟

در این راستا، بر اساس معنای اصطلاحی «تأویل» قرآن در آیات و روایات، روایات تأویلی مرتبط با امام علی علیه السلام از بین روایات تفسیری سوره مائده، استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که چهار نوع تأویل در این روایات درباره آن حضرت وجود دارد که عبارتند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) و مصداق اطلاق یا عموم آیه.

کلیدواژگان: تأویل قرآن، انواع تأویل، روایت تأویلی، سوره مائده، امیر مؤمنان، علی علیه السلام.

مقدمه

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، یکی از مهم‌ترین رموز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آن چه به ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. اگر ظرفیت نامحدود قرآن به فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر



شود، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به نیازهای آنان در عرصه‌های گوناگون، پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آن چه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری نیز در خود دارد که آن‌ها را از طریق روایات اهل بیت به عنوان بهترین راه می‌توان استخراج کرد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت، عدل قرآن به شمار می‌روند.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تأویلی سوره مائده چه نوع تأویلاتی در مورد امیر مؤمنان، علی علیه السلام صورت پذیرفته است؟ از آن جا که در بین روایات تأویلی سوره مائده، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات بر امام علی علیه السلام پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا پس از استخراج و دسته‌بندی آن روایات، انواع تأویل آیات سوره مائده بر امام علی علیه السلام را کشف کنیم.

پژوهش‌هایی درباره تأویل قرآن صورت پذیرفته است که از آن میان می‌توان این موردها را نام برد: کتاب «روش‌های تأویل قرآن»، نوشته محمدکاظم شاکر و مقالات «تأویل قرآن»، نوشته علی‌اکبر بابایی (نک: معرفت، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۲)، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت»، نوشته حمید آگاه (نک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵)، «معناشناسی تأویل در روایات»، نوشته محمد فرجاد (نک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت»، نوشته سید حیدر علوی نژاد (نک: حسنا، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر»، نوشته شهاب‌الدین ذوقفاری (نک: حسنا، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳)، «تأویل از نگاه تحقیق»، نوشته علی نصیری (نک: بینات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۷۷) و «تأویل»، نوشته محمدکاظم شاکر (نک: دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۰-۱۱۱). این موردها، مهم‌ترین آثاری هستند که پیشینه این تحقیق به شمار می‌روند. با این حال، در هیچ یک از تحقیقات یادشده به استخراج و دسته‌بندی روایات تأویلی سوره مائده درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام توجه نشده است.

۱ - تأویل در لغت

در کتاب‌های لغت، چهار معنا برای تأویل مطرح شده است که عبارتند از:
الف) مرجع و عاقبت امر؛ (نک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۲۰/۱؛ ازهری، بی تا:

۴۵۸/۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۱۰: ۱۵۸/۱؛ جوهری، ۱۴۲۸: ۱۲۲۶/۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۶۴/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۱)

(ب) سیاست و تدبیر کردن؛ (نک: ازهری، بی تا: ۴۵۸/۱۵)

(ج) تفسیر کردن؛ (نک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۲۰/۱؛ ازهری، بی تا: ۴۵۸/۱۵)

(د) برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیر ظاهر؛ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۸۰/۱) در کتاب‌های لغت یادشده، تأویل در بیش‌تر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است. از آن جا که کاربرد تأویل به معنای وصفی بیش‌تر است، این معنا به عنوان معنای یکم مطرح شد. هم‌چنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند، اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آن است که معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند، پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آن‌ها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن باید دانست که خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی تعریف کرده است که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن، نیازمند بیان و توضیح دیگر است. (نک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۲۰/۱) به دیگر سخن، تأویل‌گر با ملاحظه وجوه متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است، انتخاب می‌کند و به لفظ نسبت می‌دهد. بنا بر این، تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌شود، چنان‌که برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ۱۲۲۶/۲) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد، با این بیان که معنای غیر ظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معنای کلام است.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است، (نک: فیروزآبادی، بی تا: ۷۹/۱؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۱۹) قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن فارس در هیئت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن

است، از معنای ابتدای امر، سخنی به میان نیآورده است. وی برای ماده «أول»، دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» می‌توان یافت. (نک: ابن فارس، ۱۴۱۰: ۱۵۸/۱) از این رو، ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جست و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود. (نک: اسعدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) در نتیجه، معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام»، همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲ - تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است. بنا بر این، بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن، رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شود و تعریفی جامع برای آن عرضه گردد. نگارنده در مقاله‌ای دیگر، کاربردهای تأویل قرآن در آیات و روایات را بررسی و ماهیت تأویل قرآن را مشخص کرده است. (نک: قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ۷۲-۸۴)

لفظ «تأویل» در ضمن هفت سوره از قرآن، هفده بار به کار رفته است. (نک: آل عمران: ۷؛ نساء: ۵۹؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ اسراء: ۳۵؛ کهف: ۷۸ و ۸۲) از هفده مورد یادشده، پنج نمونه آن در مورد قرآن به کار رفته است که دو بار به اتفاق مفسران به معنای «مقصود از آیات متشابه» (نک: آل عمران: ۷) و سه بار به حسب ظاهر و به نظر مشهور به معنای «تحقق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» (نک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹) است. در روایات، کلمه «تأویل» در مورد قرآن در هشت معنا به کار رفته است که عبارتند از: معنای ظاهری آیه، مصداق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه. (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ۷۱-۷۲) بنا بر این، «تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات، هشت معنا دارد. البته این معانی هشت‌گانه

را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن می‌توان خلاصه کرد. «تأویل قرآن» به معنای عام، همه معانی هشت‌گانه را دربرگرفته است، اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم می‌شود. دلیل این تقسیم‌بندی هم آن است که با مرور آیات و روایاتی که کلمه «تأویل» در مورد قرآن در آن‌ها به کار رفته است، مشاهده می‌شود تمامی آیات و بیش‌تر روایات، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است. (همان: ۸۴)

نکته دیگر آن است که دو معنای اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصداق ظاهری آیه در حوزه تنزیل قرآن قرار می‌گیرد. بنا بر این، تأویل قرآن به معنای عام شامل تنزیل نیز می‌شود و نسبت منطقی آن با تنزیل، عموم و خصوص مطلق است. با این حال، نسبت تأویل قرآن به معنای خاص با تنزیل، تباین است. هم‌چنین نسبت منطقی تفسیر و تأویل قرآن به معنای عام، عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا طبق آن چه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت که لغت‌شناسان یکی از معانی تأویل را تفسیر کردن دانستند، تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود. بنا بر این، تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است، ولی نسبت تأویل قرآن به معنای خاص با تفسیر، تباین است. (نک: همان: ۸۴)

مراد از تأویل قرآن در این مقاله، تأویل به معنای خاص است. بنا بر این، درصدد بیان روایات تأویلی مرتبط با امیر مؤمنان، علی علیه السلام در سوره مائده هستیم که مشتمل بر یکی از معانی سوم تا هشتم باشند.

۳ - انواع روایات تأویلی سوره مائده درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام

همان‌طور که گفتیم، در بین روایات تأویلی سوره مائده، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امیر مؤمنان، علی علیه السلام تأویل کرده‌اند. این تأویل‌ها به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

۳-۱ - معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری، معانی، مقاصد و معارف عمیق باطنی دارند که همگان را یارای فهم آن نیست و علم آن، ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه

است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده است، بر آن دلالت دارد. (نک: شاکر، ۱۳۷۶: ۸۷ - ۹۱) برخی روایات با پذیرش این که قرآن کریم دارای بطن و بطون (معانی باطنی) است، بطن آن را «تأویل» نامیده‌اند. فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن است. بخشی از تأویل قرآن محقق شده و بخش دیگر آن هنوز محقق نشده است. قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱/۱)

در روایات تأویلی سوره مائده، روایاتی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را بر امام علی علیه السلام تأویل کرده است که در ادامه به نقل آن‌ها می‌پردازیم. ذیل آیه ۵ سوره مائده، «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»، دو روایت تأویلی در زمینه معنای باطنی آیه درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که ذکر می‌کنیم:

یک - وقتی از امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» پرسیده شد، حضرت فرمود: «يَعْنِي بَوْلَايَهُ عَلِيٌّ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ یعنی کسی که به ولایت علی علیه السلام [کافر شود]، در سرای دیگر، از زیان کاران خواهد بود». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۹۷/۱)

دو - وقتی از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۵ سوره مائده پرسیده شد، حضرت فرمود: «تَفْسِيرُهَا فِي بَطْنِ الْقُرْآنِ: وَ مَنْ يَكْفُرُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ؛ تفسیر آن در بطن قرآن چنین است: و هر که به ولایت علی علیه السلام کفر بورزد و علی علیه السلام همان ایمان است». (صفار، ۱۴۰۴: ۷۷)

عبارت «يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ» در آیه ۵ سوره مائده به «ترک عمل به مقتضای ایمان» تفسیر شده، (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۶/۵) اما در این روایات به انکار ولایت امام علی علیه السلام تأویل شده است. پس تأویل در این روایات از نوع معنای باطنی آیه است. شاهد مطلب این است که در روایت دوم نیز به تفسیر باطنی آیه تصریح شده است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که درباره آیه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (مائده: ۱۰ و ۸۶) فرمود: «يَعْنِي كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِالْوَلَايَةِ وَبِحَقِّ

علی علیه السلام؛ آن‌ها همان کسانی هستند که نسبت به ولایت و حق علی علیه السلام کفر ورزیدند و تکذیب کردند». (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۸۲)

عبارت «آیاتنا» در آیات ۱۰ و ۸۶ سوره مائده، در آیات قرآن ظهور دارد، اما در این روایت به ولایت و حق علی علیه السلام تأویل شده است. پس تأویل در این روایت از نوع معنای باطنی آیه است.

۳-۲ - مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیت‌های عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. در روایات تأویلی سوره مائده، مواردی از مصداق‌های باطنی وجود دارد که بر امام علی علیه السلام تأویل شده است که در ادامه، آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

در ذیل آیه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»، سه روایت تأویلی در زمینه مصداق باطنی آیه درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که ذکر می‌کنیم:

یک - از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۵ سوره مائده چنین روایت شده است: «الْإِيمَانُ فِي بَطْنِ الْقُرْآنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَمَنْ كَفَرَ بِوَلَايَتِهِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ؛ ایمان در تفسیر باطنی قرآن، علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس هر کس به ولایت او کافر شود، اعمال او تباه می‌گردد». (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۲۱)

دو - از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۵ سوره مائده پرسیده شد. حضرت فرمود: «عَلِيُّ علیه السلام هُوَ الْإِيمَانُ؛ علی علیه السلام همان ایمان است». (صفار، ۱۴۰۴: ۷۷)

در این دو روایت، واژه «الْإِيمَان» در آیه ۵ سوره مائده به امام علی علیه السلام تأویل شده است که این تأویل از نوع مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

سه - از ابن عباس درباره آیه ۵ سوره مائده چنین روایت شده است: «إِنَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي كِتَابِ اللَّهِ أَسْمَاءَ لَا يَعْرِفُهَا النَّاسُ؛ قُلْنَا: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: سَمَاءُ الْإِيمَانِ؛ فَقَالَ: وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ علی بن ابی طالب علیه السلام در کتاب خدا، اسم‌هایی دارد که مردم آن‌ها را نمی‌دانند. پرسیدند: آن‌ها کدام است؟ گفت: خداوند، او را ایمان نامید و فرمود: وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۲۱)

در این روایت نیز واژه «الإيمان» به امام علی علیه السلام تأویل شده که این تأویل از نوع بیان مصداق باطنی آیه است.

چهار - از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۷ سوره مائده «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ» روایت شده است که فرمود: «الْمِيثَاقُ هُوَ مَا بَيَّنَّ اللَّهُ فِي حِجَّةِ الْوُدَاعِ مِنْ تَحْرِيمِ كُلِّ مُسْكِرٍ وَكَيْفِيَّةِ الْوُضُوءِ عَلَى مَا ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَنَصَبِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَى علیه السلام إِمَاماً لِلْخَلْقِ كَافَّةً؛ ميثاق، چیزی است که خداوند در حجة الوداع بیان فرمود که عبارتند از: حرام کردن هر مست کننده، کیفیت وضو بر اساس چیزی که خداوند در کتابش بیان فرمود و نصب امیر مؤمنان، علی علیه السلام به عنوان امام برای همه مردم». (راوندی، ۱۴۰۵: ۲/۲۸۴)

در تفسیر آیه ۷ سوره مائده چنین آمده است: «این که منظور از پیمان در عبارت «مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا»، کدام پیمان است، دو احتمال وجود دارد: نخست، پیمانی که مسلمانان در آغاز اسلام در حدیبیه یا حجة الوداع یا عقبه یا همه مسلمانان به مجرد قبول اسلام به طور ضمنی با خدا بسته اند و دیگر، پیمانی که به حکم فطرت و آفرینش، هر کسی با خدای خود بسته است و همان است که گاهی از آن به نام عالم ذر تعبیر می شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/۲۹۷) در این روایت، این پیمان به پیمان نصب امیر مؤمنان، علی علیه السلام به عنوان امام تأویل شده است. با عنایت به این که در هیچ یک از تفاسیر فریقین، چنین مصداقی برای واژه «ميثاق» در آیه ۷ سوره مائده ذکر نشده، تأویل در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه است.

در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی درباره آیه ۱۳ سوره مائده، «فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» چنین روایت کرده است: «وَقَوْلُهُ: فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ يَعْنِي نَقَضَ عَهْدِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ. قَالَ: مَنْ نَحَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنْ مَوْضِعِهِ، وَالدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ أَنَّ الْكَلِمَةَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؛ مراد از «فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ» به معنای نقض پیمان با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است و مراد از «وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»، کسانی هستند که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام را از جایگاهش دور کردند و این دلالت برای آن است

که منظور از الْكَلِمَ، امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است». (قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۳/۱) عبارت «فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ» در این آیه، در پیمان شکنی بنی اسرائیل ظهور دارد، اما در این روایت به نقض پیمان با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام تأویل شده است که مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود. هم‌چنین واژه «الْكَلِمَ» در تورات ظهور دارد، ولی در این روایت به امیرالمؤمنین، علی علیه السلام تأویل شده است که مصداق باطنی آیه محسوب می‌شود.

در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی درباره آیه ۱۵ سوره مائده؛ «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» چنین روایت شده است: «يَعْنِي بِالنُّورِ اميرالمؤمنين، علي علیه السلام وَ الْأَيُّمَّة؛ منظور از نور، امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و ائمه است». (قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۴/۱)

مراد از نور در این آیه، قرآن است، ولی در این روایت، به امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و ائمه تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود. در ذیل آیه ۳۷ سوره مائده «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»، سه روایت تأویلی در زمینه مصداق باطنی آیه درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که ذکر می‌کنیم:

یک - از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۳۷ سوره مائده روایت شده که فرمود: «أَعْدَاءُ عَلِيٍّ هُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ؛ قَالَ اللَّهُ: وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا: دشمنان علی علیه السلام هستند که در آتش دوزخ جاودانند و خداوند می‌فرماید: وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۱۷/۱)

دو - وقتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۳۷ سوره مائده پرسیده شد، حضرت فرمود: «أَعْدَاءُ عَلِيٍّ هُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ؛ دشمنان علی علیه السلام هستند که تا ابد و تا همیشه روزگار در آتش دوزخ جاودانند». (همان)

سه - وقتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۳۷ سوره مائده پرسیده شد، حضرت فرمود: «كَأَنَّكَ تُرِيدُ الْأَدَمِيِّينَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ؛ قَالَ: كَأَنُّوا حُوسِبُوا وَ عُدُّبُوا وَ أَنْتُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي الْجَنَّةِ؛ قَالَ اللَّهُ: إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ هَكَذَا تَنْزِيلُهَا؛ گویا مقصود تو، انسان‌هاست؟ راوی گفت: بله. فرمود: آن‌ها حسابرسی و عذاب می‌شوند و شما در بهشت جاودانه هستید.

خداوند فرمود: دشمنان علی علیه السلام تا ابد و برای همیشه در آتش جاودانه‌اند». (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۲۲)

تنزیل آیه ۳۷ سوره مائده درباره کافران است، ولی در سه روایت اخیر به دشمنان امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۶۸ سوره مائده «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» روایت شده است که فرمود: «هُوَ وَ لَآئِهِ اميرالمؤمنين، علی علیه السلام؛ منظور از آن (وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ)، ولایت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است». (صفار، ۱۴۰۴: ۷۴)

عبارت «ما أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» در آیه ۶۸ سوره مائده در قرآن ظهور دارد، ولی در این روایت به ولایت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

در ذیل آیه ۹۵ سوره مائده «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ»، دو روایت تأویلی در زمینه مصداق باطنی آیه درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که ذکر می‌کنیم: یک - وقتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۹۵ سوره مائده پرسیده شد، حضرت فرمود: «الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ؛ منظور از عدل، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام پس از اوست». (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۴/۸)

دو - وقتی از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۹۵ سوره مائده پرسیده شد، حضرت فرمود: «فَالْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ يَحْكُمُ بِهِ وَ هُوَ ذُو عَدْلٍ فَإِذَا عَلِمْتَ مَا حَكَمَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِمَامُ فَحَسْبُكَ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ؛ منظور از عدل، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام بعد از اوست که به آن حکم می‌دهند. پس او، عادل است و هنگامی که فهمیدی خدا توسط فرستاده اش یا امام پس از او، چه حکم کرده است، تو را کفایت می‌کند و درباره آن چیزی نپرس». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۴۴/۱)

عبارت «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ» در آیه ۹۵ سوره مائده به معنای دو نفر عادل هستند که معادل بودن کفاره صید در حال احرام را تصدیق کنند، ولی در این دو روایت به پیامبر و امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

۳-۳ - مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به مصداق‌های زمان نزول که آیات، ناظر به آن‌هاست، ظهر و تنزیل گفته شده است. به مصداق‌های مشابه آن‌ها نیز که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همهٔ زمان‌ها بر آن قابل انطباق است، بطن و تأویل گفته‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات دربارهٔ آن‌ها نازل شده است و باطن قرآن، مصداق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات دربارهٔ آن‌ها نازل شده است) عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۱) یعنی آن‌چه دربارهٔ آنان نازل شده است، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند.

در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن است. بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته است. قرآن بسان خورشید و ماه در حرکت است.» (همان) هم‌چنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است. هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: «در میان شما، کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند، چنان‌که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱)

در این روایات، تأویل قرآن به مصداق‌هایی توصیف شده است که فراتر از سبب و شأن نزول آیاتند و بعضی از آن‌ها تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روی داده بودند و بعضی از آن‌ها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ «تأویل» در مورد «مصداق آیه در گذر زمان» به کار رفته است. این همان قاعدهٔ «جری و تطبیق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شده است، به این معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصداق‌های جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل تأکید می‌کنند. در روایات تأویلی سورهٔ مائده، مواردی از مصداق‌های آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) مشاهده شد که به امام علی علیه السلام تأویل شده است.



در ذیل آیه ۵۴ سوره مائده «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»، پنج روایت در زمینه مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که نقل می کنیم:

یک - از امام علی علیه السلام روایت شده است که در جنگ بصره فرمود: «وَاللَّهِ مَا قُوتِلَ أَهْلُ هَذِهِ الْآيَةِ حَتَّى الْيَوْمِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ به خدا قسم، با اهل این آیه تا امروز جنگ نشده است. سپس این آیه را تلاوت کرد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۵)

دو - از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره آیه ۵۴ سوره مائده چنین روایت شده است: «أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَمَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا علیه السلام؛ این آیه در مورد اهل بصره و کسانی نازل شد که با علی علیه السلام جنگیدند». (راوندی، ۱۴۰۵: ۳۶۹/۱) منظور این دو روایت آن است که مصداق «مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ»، اهل بصره هستند. بنا بر این، تأویل ذکرشده در این روایات از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می رود.

سه - از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره آیه ۵۴ سوره مائده چنین روایت شده است: «هُمُ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ، عَلِيٌّ علیه السلام وَأَصْحَابُهُ حِينَ قَاتَلَ مَنْ قَاتَلَهُ مِنَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ؛ آن ها امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و یارانش هستند، زمانی که با گروه های ناکثین، قاسطین و مارقین جنگید». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۱/۳)

چهار - از امام عسکری علیه السلام روایت شده است که امام هادی علیه السلام، امیرالمؤمنین، علی علیه السلام را در روز غدیر چنین زیارت کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَالْمُؤْمِنِينَ، عَلِيٌّ علیه السلام لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان، علی علیه السلام... خداوند پیش از این، در حالی که منافقان کراحت داشتند، در مورد تو، این آیه را نازل فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (ابن مشهدی، ۲۷۲: ۱۴۱۹)

پنج - از امام باقر علیه السلام روایت شده است که درباره آیه ۵۴ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» فرمود: «أَنَّهُ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ؛ این آیه در مورد علی علیه السلام نازل شده است». (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۲۳)

منظور سه روایت اخیر این است که مصداق «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و یارانش هستند. بنا بر این، تأویل ذکرشده در این روایات از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

از امام علی علیه السلام درباره آیه ۷۷ سوره مائده «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» روایت شده است که فرمود: «لَمَّا خَالَفُوا اللَّهَ تَعَالَى ضَلُّوا فَأَضَلُّوا فَحَدَّرَ اللَّهُ تَعَالَى الْأُمَّةَ مِنْ اتِّبَاعِهِمْ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ وَالسَّبِيلُ هَاهُنَا الْوَصِيُّ؛ هنگامی که آنان با خداوند متعال [در مورد وصی پیامبر] مخالفت ورزیدند، گمراه شدند و [دیگران را نیز] گمراه کردند. خداوند متعال نیز امت را از پیروی آنان بیم داد و فرمود: «وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ». و منظور از السَّبِيلِ در این جا همان وصی است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۹۰)

تنزیل آیه یادشده درباره بنی اسرائیل است، ولی در روایت یادشده بر مخالفان وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأویل شده است. در حقیقت، در این روایت، ابتدا از آیه مورد بحث، تنقیح مناط شده و قاعده کلی از آیه استخراج گردیده و سپس بر مصداق جدید تطبیق شده است. بنا بر این، تأویل ذکرشده در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.



۳-۴ - مصداق اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن، واژه‌ها یا عبارتهایی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصداق‌های متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده است، به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. در برخی از این روایات، ضمن بیان این نوع از مصداق‌های آیات تصریح شده است که این مصداق‌ها جزو تأویل آیه به شمار می‌آیند. در ضمن، گاهی از برخی مصداق‌های عموم یا اطلاق آیه با عنوان مصداق اتم و اکمل یاد شده است.

گفتنی است مصداق عموم یا اطلاق آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه برای غیر معصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است. اگر بر فرض، غیر معصوم چنین مصداق‌هایی را بیان کند، فقط برای خودش حجیت دارد، ولی برای دیگران فاقد حجیت است، مگر این‌که برای دیگران نیز آن مصداق‌های باطنی، یقینی یا حداقل، اطمینان‌آور باشد. هم‌چنین فرق مصداق اطلاق یا عموم آیه با مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) این است که در مصداق اطلاق یا عموم آیه، آن مصداق در زمان نزول آیه وجود دارد. ممکن است تا قیامت، مصداق‌هایی شبیه مصداق زمان نزول به وجود آیند، اما در مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، آن مصداق در زمان نزول آیه موجود نیست، بلکه در دوران پس از نزول آیه، آن مصداق جدید محقق می‌شود.

در روایات تأویلی سوره مائده از این گونه تأویل در مورد امام علی علیه السلام وجود دارد که نقل می‌کنیم:

یک - از امام جواد علیه السلام درباره آیه اول سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» روایت شده است که فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَقَدَ عَلَيْهِمْ لِعَلِيِّ عليه السلام فِي الْخِلَافَةِ فِي عَشْرَةِ مَوَاطِنَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ الَّتِي عَقَدْتُ عَلَيْكُمْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله در ده موضع از مردم برای خلافت علی عليه السلام پیمان گرفت و سپس خداوند این آیه را نازل کرد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌هایی که برای امیرالمؤمنین، علی عليه السلام با شما بستیم، وفا کنید». (قمی، ۱۳۶۳:

واژه «الْعُقُودِ» در آیه اول سوره مائده، جمع محلی به الف و لام و عام است و همه پیمان‌ها را دربرمی‌گیرد، ولی در این روایت به پیمان‌هایی تأویل شده که رسول خدا ﷺ برای خلافت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام از مردم گرفته است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به شمار می‌رود.

دو - از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «أَنَا هُوَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ قَدْ صَدَقَهُ اللَّهُ وَ أَعْطَاهُ الْوَسِيلَةَ فِي الْوَصِيَّةِ وَ لَا يَخْلِي أُمَّتَهُ ﷺ مِنْ وَسِيلَتِهِ إِلَيْهِ وَ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ منم آن که علم کتاب نزد اوست و خداوند، او را تصدیق کرد و او را در وصیت، وسیله اعطا کرد و اتمّ [پیامبر]ش را از دستاویزی به سوی او [علی علیه السلام] و خدا بی‌نیاز نساخت که خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». (صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۶) واژه «الْوَسِيلَةَ» در آیه ۳۵ سوره مائده، مطلق است و هر کار و هر چیزی را دربرمی‌گیرد که باعث نزدیک شدن به خداوند می‌شود، اما در روایت یادشده به امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به شمار می‌رود.

در ذیل آیه ۵۶ سوره مائده: «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ»، دو روایت تأویلی در زمینه بیان مصداق اطلاق یا عموم آیه درباره امیر مؤمنان، علی علیه السلام مشاهده شد که در ادامه ذکر می‌کنیم:

یک - از ابن عباس درباره آیه ۵۶ سوره مائده چنین روایت شده است: «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ يَعْنِي يُحِبُّ اللَّهَ؛ وَ رَسُولَهُ يَعْنِي مُحَمَّدًا ﷺ وَ الَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي وَ يُحِبُّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ؛ فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ يَعْنِي شِيعَةَ اللَّهِ وَ شِيعَةَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ شِيعَةَ عَلِيٍّ ﷺ؛ هُمْ الْغَالِبُونَ يَعْنِي الْعَالُونَ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ الظَّاهِرُونَ عَلَى الْمُخَالِفِينَ لَهُمْ؛ منظور از «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ» یعنی خدا را دوست بدارد؛ مراد از «وَ رَسُولَهُ» یعنی محمد ﷺ را دوست بدارد و مقصود از «وَ الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی علی بن ابی‌طالب ﷺ را دوست داشته باشد. منظور از «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ» یعنی شیعه خدا و شیعه محمد ﷺ و شیعه علی علیه السلام. آنان هستند که پیروزند یعنی بر تمام بندگان، برتر و بر مخالفانشان چیره‌اند». (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۴۶/۱)

عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» در آیه ۵۶ سوره مائده، عام است و همه مؤمنان را

دربرمی‌گیرد، اما در این حدیث به امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به شمار می‌رود.

دو - از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ فِي عَالِيهِمْ؛ آيَةُ (فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) در حَقِّ عَلِيِّ علیه السلام است». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۹/۱)

عبارت «حِزْبَ اللَّهِ» در آیه مورد بحث، مطلق است و همه جمعیت‌هایی را دربرمی‌گیرد که در مسیر خدا هستند، ولی در این روایت به امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه به شمار می‌رود.

از امام عسکری علیه السلام درباره آیه ۱۰۴ سوره مائده «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» روایت شده است که فرمود: «وَصَفَّ اللَّهُ هَؤُلَاءِ الْمُتَّبِعِينَ لِخَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَقَالَ: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ فِي كِتَابِهِ مِنْ وَصْفِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ حَلِيَّةِ عَلِيِّ عليه السلام وَ وَصَفِ فَضَائِلِهِ وَ ذَكَرِ مَنَاقِبِهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله وَ تَعَالَوْا إِلَى الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله لَتَقْبَلُوا مِنْهُ مَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا مِنَ الدِّينِ وَ الْمَذْهَبِ فَافْتَدَوْا بِدِينِ آبَائِهِمْ فِي مَخَالَفَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ مُنَابَذَةِ عَلِيِّ عليه السلام وَ لِيَّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ صلى الله عليه وآله أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّوَابِ؛ خداوند، مشخصات پیروان شیطان را در این آیه بیان کرده است. وقتی به آن‌ها گفته شد، بیایید تا آن‌چه را خداوند از صفات محمد صلى الله عليه وآله و فضایل و مناقب علی علیه السلام در کتاب خود بیان است، برای شما توضیح دهیم و به آن‌چه پیامبر دستور می‌دهد، گوش فرادهید و بپذیرید، گفتند: ما به روشی که پدرانمان برایمان گذاشته‌اند، کفایت می‌کنیم. در مخالفت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و دشمنی با علی ولی الله صلى الله عليه وآله، پیرو دین و مذهب پدران خویش می‌شوند. خداوند می‌فرماید: آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و به راه درست هدایت نیافته بودند (باز از آن‌ها پیروی می‌کنند)؟» (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۵۸۲)

عبارت «ما أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ» در آیه ۱۰۴ سوره مائده، عام است و همه آن‌چه را شامل می‌شود که خداوند بر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله نازل کرده، ولی در این روایت به فضایل پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و امام علی علیه السلام تأویل شده است. تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

از مجموع ۲۶ روایت تأویلی سوره مائده درباره امام علی علیه السلام دریافتیم که در این روایات، از مجموع شش نوع تأویل قرآن، چهار نوع آن وجود دارد که عبارتند از: معنای باطنی آیه (۳ روایت)، مصداق باطنی آیه (۱۲ روایت)، مصداق آیه در گذر زمان (۶ روایت) و مصداق اطلاق یا عموم آیه (۵ روایت). هم‌چنین در روایات یادشده، دو نوع دیگر از تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و تأویل آیه متشابه مشاهده نشد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، *النهاییه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۱۰)، *معجم مقانیس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹)، *المزار الکبیر*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن منظور، محمد، (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ازهری، محمد بن احمد، (بی‌تا)، *معجم تهذیب اللغة*، بیروت: دار الکتب العربی.
۷. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹)، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸. اسعدی، محمد و سید محمود طیب حسینی، (۱۳۹۰)، *پژوهشی در محکم و متشابه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. آگاه، حمید، (۱۳۷۵)، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت علیهم السلام»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶.
۱۰. بابایی، علی اکبر، (۱۳۷۲)، «تأویل قرآن»، *مجله معرفت*، شماره ۶.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۲۸)، *الصحاح اللغة*، بیروت: دار المعرفه.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة.
۱۳. ذوققاری، شهاب‌الدین، (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر»، *مجله حسنا*، شماره ۲۱.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴)، *المفردات*، قم: نشر کتاب.

۱۵. شاکر، محمدکاظم، (۱۳۷۶)، روش های تأویل قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۶. شاکر، محمدکاظم، (۱۳۸۲)، مبانی و روش های تفسیر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. شاکر، محمدکاظم، (۱۳۸۸)، «تأویل»، دایرةالمعارف قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۹. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. عسکری، حسن بن علی، (۱۴۰۹)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام، قم: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام.
۲۲. علوی نژاد، سید حیدر، (۱۳۸۲)، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت»، مجله حسنا، شماره ۲.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴)، ترتیب کتاب العین، تهران: اسوه.
۲۵. فرجاد، محمد، (۱۳۸۳)، «معناشناسی تأویل در روایات»، پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸.
۲۶. فیروزآبادی، مجدالدین، (بی تا)، بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب العزیز، بیروت: المکتبه العلمیه.
۲۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دار کتاب.
۲۹. قهاری کرمانی، محمدهادی، (۱۳۹۸)، «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن»، پژوهش نامه تأویلات قرآنی، دوره دوم، شماره ۳.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، الکافی، قم: دار الحدیث.
۳۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و نشر الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الإفصاح فی الإمامة، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۵. نصیری، علی، (۱۳۷۷)، «تأویل از نگاه تحقیق»، بینات، شماره ۱۷.